

سرآستان سمرغ

سرمدی بر منطق الطیر عطار

دکتر غلامرضا مدبر عزیزی

سرشناسه: مدبر عزیزی ، غلامرضا ، ۱۳۳۵ -

عنوان قرارداد: منطق الطیر ، شرح

عنوان و نام پدیدآور: بر آستان سیمرغ (شرحی بر منطق الطیر عطار) / غلامرضا مدبر عزیزی .

مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۵۹۰ صفحه

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۳۷ - ۶۲۷ ق. منطق الطیر - نقد و تفسیر

موضوع: Attar , Mohammad ebn Ebrahim . Manteq - ol - Tair - History and criticism

موضوع: شعر فارسی - قرن ۶ ق - تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry - 12 th century - History and criticism

موضوع: منظوم های عرفانی فارسی - قرن ۶ ق - تاریخ و نقد

موضوع: Mystical verse stories, persian - 12 th century - History and criticism*

شناسه افزوده: عطار، محمد بن ابراهیم، ۵۳۷ - ۶۲۷ ق. منطق الطیر ، شرح

شناسه افزوده: Attar, mohammad ebn Ebrahim . Manteq - ol - Tair

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب ۴۲۴ م ۵۰۱ / PIR

رده بندی دیویی: فا ۲۳۸ / ۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۹۸۲۵



انتشارات سخن گستر

نام کتاب: بر آستان سیمرغ

مؤلف: غلامرضا مدبر عزیزی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

چاپخانه: البرز

شابک: 978-600-247-749-1

نشانی: مشهد - خیابان ابن سینا - بین ابن سینا ۱ و ۳ - ساختمان اطبا

تلفن: ۳۸۴۳۹۹۵۵ Sokhangostar76@gmail.com

آدرس محل پخش: موسسه فرهنگی هنری رهپویان ولایت فردوس

پست الکترونیک: info@rahpouyanferdows.ir

فهرست مطالب

۲۳	مقدمه:
۲۵	تذکری رباره عنوان کتاب
۳۱	فصل اول: معرفی اجمالی عطار و منطق الطیر
۳۳	الف: معرفی اجمالی عطار
۴۱	تذکره الاولیاء
۴۱	الهی نامه
۴۱	مصیبت نامه
۴۳	اسرارنامه
۴۳	مختارنامه
۴۴	خسرونامه
۴۴	پندنامه
۴۴	جوهرالذات
۴۴	مظهر العجایب
۴۷	ب: معرفی اجمالی منطق الطیر
۵۱	فصل دوم: مقصد و مقصود سلوک

- ۱- آفریدگار؛ بخشنده نعمتها، زیباییها و کمالات ۵۴
- ۲- همه پدیده‌های هستی تسبیح‌گو و مشتاق آفریدگار ۵۷
- ۳- لیس فی الدار غیره دیار ۵۹
- ۴- ذات الهی؛ ادراک نشدنی ۶۲
- ۵- استغنا و بی‌نیازی مطلق خداوند از ماسوای خود ۶۸
- ۶- عرفه که در فقر خویش بر غنای بیحد پروردگار ۷۱
- ۷- جلوه‌های مناجات در آثار عطار ۷۳
- ۱- منطق الطیر ۷۳
- حکایت دزد و خورن بان صاحبخانه ۷۳
- یارب آگاهی ز یارب‌ها من ۷۵
- ۲- الهی نامه ۷۶
- گرفتار توأم از دیرگاهی ۷۶
- ۳- اسرار نامه ۷۷
- ۴- مصیب نامه ۷۸
- ۵- مختار نامه ۷۹
- ۸- دلسوز به فرعون‌ها ۷۹
- پیش درآمدی بر مبحث بعد ۸۲
- فصل سوم: عُرْوَةُ الْوُثْقَى در سلوک ۸۴
- مقدمه ۸۶
- ۱- مقام و منزلت بی‌نظیر پیامبر اعظم در هستی ۸۸
- ۲- تمامی پیامبران دست به دامن پیامبر اعظم آویخته‌اند ۹۰

- ۳- عشق و ارادت زاید الوصف عطار به پیامبر اعظم ۹۲
- ۴- التجا و توسل همیشگی عطار به پیامبر اعظم ۹۵
- در جستجوی راهنمای راهنمایان ۹۷
- سالک در خدمت حضرت آدم ۹۷
- سالک در حضور حضرت نوح ۹۸
- سالک در خدمت خلیل خدا (ع) ۹۸
- سالک در حضور حضرت موسی (ع) ۹۹
- سالک متوسل شد به حضرت داود (ع) ۱۰۰
- سالک در خدمت حضرت عیسی (ع) ۱۰۰
- ارادت عطار نسبت به امیرالمؤمنین ۱۰۱
- فصل چهارم: نقش آفرینان داستان ۱۰۶
- ۱- هُدُود و حضرت سلیمان ۱۰۸
- هُدُود در قرآن ۱۰۹
- به بیان صاحب کتاب قاموس قرآن: ۱۱۳
- سیمای حضرت سلیمان در متون عرفانی ۱۱۶
- ۲- موسیچه و حضرت موسی ۱۲۴
- ۳- طوطی و حضرت ابراهیم ۱۳۰
- ۴- کبک و حضرت صالح ۱۳۳
- ۵- تُنگ باز و حضرت پیامبر اعظم ۱۳۴
- ۶- ذُراج و حضرت عیسی (ع) ۱۳۵
- ۷- بلبل و حضرت داود علیه السلام ۱۳۹

.....	آواز داود؛ از آیات شگفت الهی.....	۱۳۹
.....	۸- طاوس و حضرت آدم علیه السلام.....	۱۴۴
.....	حضرت آدم در آتش اشتیاق عبادت و بندگی.....	۱۴۵
.....	۹- تذرو و حضرت یوسف علیه السلام.....	۱۴۶
.....	۱۰- قمری و حضرت یونس علیه السلام.....	۱۵۰
.....	عطا، بهام بخش مولوی:.....	۱۵۲
.....	بازگشت به سفر عطار.....	۱۵۵
.....	۱۱- فاخته حضرت خضر علیه السلام.....	۱۵۶
.....	۱۲- باز و ذوالقرنین:.....	۱۶۰
.....	دیگر نقش های نمادین باز و آیات عرفانی.....	۱۶۱
.....	فصل پنجم: اولین طلایه هر مذهب.....	۱۶۴
.....	حضور هدهد.....	۱۶۷
.....	توضیح سه اصطلاح شریعت، طریقت، حقیقت.....	۱۶۸
.....	هدهد به عنوان یک ولی و مرشد به معرفی خود می پردازد.....	۱۷۰
.....	علت این که هدهد به ذکر شایستگی های خویش پرداخته.....	۱۷۴
.....	اجمالی از سخنان عرفا در اهمیت، ضرورت و ثمرات پیروی از راه سیر و سلوک.....	۱۷۵
.....	معرفی سیمرغ.....	۱۷۷
.....	جلوه های عرفان مثبت در منطق الطیر.....	۱۷۸
.....	هدهد مرغان را به سهمناکی راه سیمرغ آگاه میکند.....	۱۸۳
.....	ابتدای آفرینش.....	۱۸۵

- ۱۸۶..... شرح و توضیح اصل تجلی و موضوعات مترتبه بر آن
- ۱۸۷..... اقسام تجلی بنا بر نظر عرفا
- ۱۸۸..... توضیح اصطلاح اعیان ثابته
- ۱۸۹..... موضوعات مترتبه بر اصل تجلی
- ۱۸۹..... ۱- وحدت وجود
- ۱۸۹..... ۱- وجودات تجلی اسماء و صفات الهی هستند
- ۱۹۰..... ۳- عمل محبت و زیبایی
- ۱۹۱..... ۴- گرایش به - بر اثر عرفا
- ۱۹۳..... ۵- چگونگی ظاهر کثرت از واحد
- ۱۹۴..... ۱- مثال تابش نور بر آبکیه های مختلف
- ۱۹۴..... مثال ۲: ظهور یک چهره در آینه های مختلف
- ۱۹۴..... مثال ۳: ظهور آب دریا به صورت موج و پدیدارهای مختلف آبی
- ۱۹۸..... فصل ششم : موانع سلوک
- ۲۰۰..... هدهد مرغان را مشتاق سیمرخ میکند اما
- ۲۰۱..... ۱- عذر بلبل
- ۲۰۴..... پاسخ هدهد به عذر و بهانه بلبل
- ۲۰۵..... ۲- عذر طوطی
- ۲۰۶..... پاسخ هدهد به عذر طوطی
- ۲۰۷..... حکایت خضر و دیوانه عاقل
- ۲۰۸..... طوطی در کسوت ایفای دیگر نقش ها
- ۲۱۲..... ۳- عذر طاوس

۲۱۳	پاسخ هدهد به عذر طاوس.....
۲۱۴	حکایت علت اخراج حضرت آدم از بهشت.....
۲۱۵	دیگر نقش های نمادین طاوس در ادبیات عرفانی.....
۲۱۶	۴- عذر بط (مرغابی).....
۲۱۹	۵- عذر کبک.....
۲۲۰	پاسخ هدهد به عذر کبک.....
۲۲۰	حکایت حضرت ابراهیم و نغین انگشتری او.....
۲۲۲	درخواست حضرت سلیمان از خداوند.....
۲۲۴	۶- عذر هما.....
۲۲۵	پاسخ هدهد به عذر هما.....
۲۲۶	حکایت سلطان محمود و پشیمانی او.....
۲۲۸	۷- عذر باز.....
۲۲۹	پاسخ هدهد به عذر باز.....
۲۳۰	حکایت غلام مقرب شاه.....
۲۳۲	۸- عذر بوتیمار.....
۲۳۳	پاسخ هدهد به عذر بوتیمار.....
۲۳۶	۹- عذر کوف.....
۲۳۶	پاسخ هدهد به عذر کوف.....
۲۳۸	۱۰- عذر صعوه.....
۲۳۹	پاسخ هدهد به عذر صعوه.....
۲۳۹	حکایت آه گفتن یعقوب در فراق یوسف.....

- ۲۴۱ استقامت دهد در برابر بهانه های مرغان.....
- ۲۴۳ آیا ما را با سیمرغ نسبت و سنجیتی هست؟.....
- ۲۴۴ پاسخ دهد به سؤال مرغان.....
- ۲۴۶ حکایت تماشای جمال شاه از طریق تصویرش در آینه.....
- ۲۴۹ حکایت اسکندر در کسوت پیام رسان اسکندر.....
- ۲۵۰ حکایت عیادت سلطان محمود از ایاز.....
- ۲۵۲ دهد با سوراخ بی‌بی‌های خود دو مرتبه مرغان را به پرواز و میدارد.....
- ۲۵۴ معنای گذر از آستان کفر در عرفان.....
- ۲۵۷ فصل هفتم: تاوان عاشقی.....
- ۲۵۹ تفسیر عرفانی داستان شیخ مان.....
- ۲۶۲ خلاصه داستان شیخ صنعان.....
- ۲۷۳ تحلیل و تفسیر عرفانی داستان شیخ صنعان.....
- ۲۷۹ داستان شیخ صنعان در نوسان بین بیان عرفان و روانانه و مشرعانه.....
- ۲۸۱ حضور همیشگی شیخ صنعان در غزلیات عطاء.....
- داستان عاشقانه شیخ صنعان و افتادن شور و شوق وصال سیمرغ در مرغان
- ۲۸۲ مسیر سر بالایی کمال، همواره از رهرو خالی و خلوت و مسیر روزمرگی و
- ۲۸۳ ابتذال، پر از ازدحام است.....
- ۲۸۸ فصل هشتم: تازیانه های سلوک.....
- ۲۹۰ مقدمه: لزوم آراسته شدن سالک به علم و آگاهی.....
- ۲۹۲ سوال اول:.....

۲۹۴	 حکایت سلطان مسعود و کودک ماهیگیر
۲۹۵	 حکایت نظر کردن عارفی بر خون روان شده یک معدوم
۲۹۶	 حکایت سلطان محمود و پیر خارکش
۲۹۷	 سؤال دوم:
۲۹۹	 سؤال سوم:
۳۰۰	 حکایت یادم گفتن بت پرست
۳۰۳	 غسل فروشی که مای غسل هیچ است
۳۰۳	 عتاب حضرت حق به موسی به خاطر قارون
	 حکایت رحم آوردن خداوند بر مفسدی که زاهدی از تشیع جنازه او
۳۰۵	 احتراز کرد
	 چراغ طفل را خود خاموش میکند تا به بهانه عتاب، او را مورد شفقت قرار
۳۰۵	 دهد
۳۰۶	 خود را ارزان به دنیا بفروش که سخت گراز قویس
	 ای فرشتگان: طاعات خود را به پریشانان بی طاعت بامید تا شرمنده بر ما
۳۰۷	 وارد نشوند
۳۰۹	 سؤال چهارم: مقام تلوین و مقام تمکین
۳۰۹	 پاسخ هدهد:
۳۱۳	 سؤال پنجم مرغان:
۳۱۳	 پاسخ هدهد:
۳۱۴	 سؤال ششم:
۳۱۵	 حکایت شکایت شیطان از انسان دنیا طلب

- سؤال هفتم: ۳۱۷
- پاسخ هدهد: ۳۱۷
- حکایت، سگ‌ها را بیفکن و از هر راهی که خواستی برو ۳۱۹
- حکایت عابدی که به آواز مرغی انس با حق را فروخت ۳۲۰
- سؤال هشتم: ۳۲۱
- پاسخ هدهد: ۳۲۲
- حکایت قصه با حصارهای بلند اما رخنه‌ای رها ۳۲۳
- سؤال نهم: ۳۲۵
- پاسخ هدهد: ۳۲۶
- حکایت سگ حق شناس و پادشاه ۳۲۷
- سؤال دهم: ۳۲۹
- پاسخ هدهد: ۳۲۹
- حکایت ققنوس ۳۳۰
- حکایت سقراط ۳۳۱
- سؤال یازدهم: ۳۳۲
- پاسخ هدهد: ۳۳۲
- چنین جام شربتی را نمیخواهم! ۳۳۴
- حکایت درخواست دعای رسیدن به دلی خوش ۳۳۵
- سؤال دوازدهم: ۳۳۵
- پاسخ هدهد: ۳۳۶
- حکایت تقدیر و تشکر پادشاه از زندانیان ۳۳۷

۳۳۹	سؤال سیزدهم:
۳۳۹	پاسخ هدهد:
۳۴۰	حکایت پاکبختگی جادوگران عهد فرعون:
۳۴۱	سؤال چهاردهم:
۳۴۲	پاسخ هدهد:
۳۴۲	حکایت یزن خریدار یوسف:
۳۴۴	سلیمان علیه السلام و همت یک مور:
۳۴۵	سؤال پانزدهم:
۳۴۶	پاسخ هدهد:
۳۴۷	حکایت انصاف پادشاه مد:
۳۴۸	حکایت تویخ خداوند مسلمانی را: خاطر یک کافر:
۳۵۱	سؤال شانزدهم:
۳۵۳	پاسخ هدهد:
۳۵۴	سؤال هفدهم:
۳۵۵	پاسخ هدهد:
۳۵۶	حکایت با یزید بسطامی و پاسخ او به سؤالات در قبر:
	حکایت درویشی که لاف زدن از عشق سیمرغ را نیز از عنایت و الطاف
۳۵۷	سیمرغ می شمرد:
۳۵۸	حکایت مهمان شدن سلطان محمود نزد گلخنی:
۳۶۰	حکایت سقایی که از سقایی آب خواست:
۳۶۱	سؤال هجدهم:

- ۳۶۲ پاسخ هُدهد هُدهد:
- ۳۶۳ حکایت نصیحت شیطان به حضرت موسی (ع):
- ۳۶۴ حکایت زاهدی که از سگ دامن برنمی چید:
- ۳۶۴ سؤال نوزدهم:
- ۳۶۶ جواب هدهد:
- ۳۶۷ دایه: سؤال عاشق از معشوق که در چشمت از چه زمانی لکه‌ای پدیدار شده است؟
- ۳۶۸ سؤال بیستم:
- ۳۶۸ پاسخ هدهد:
- ۳۷۳ حکایت درخواست رابعه: خداوند:
- ۳۷۳ حکایت خطاب خداوند به حضرت زکریا که جز من هر چیزی مشابه و عوض و نظیر دارد:
- ۳۷۵ حکایت سلطان محمود و در آتش سوزاندن بت زرین سومنات:
- ۳۷۷ حکایت توصیه دیوانه به سلطان محمود:
- ۳۷۸ سؤال بیست و یکم:
- ۳۷۹ پاسخ هدهد:
- ۳۷۹ حکایت آه جگر سوز یوسف:
- ۳۸۱ فصل نهم: هفت مرحله سسلوک:
- ۳۸۱ درد زایمان بگیر تا خود به خود نیمه شبها بیدار شوی؟
- ۳۸۲ حکایت دیدار خداوند توسط بهشتیان و جهنمیان:
- حکایت توصیه پیامبر اکرم که بر ریگ داغ بیابان سجده بگزار تا داغی از

دوست بر پیشانی داشته باشی.....	۳۸۴
سؤال بیست و دوم.....	۳۸۴
پاسخ همد:.....	۳۸۴
۱- وادی طلب و اراده.....	۳۸۸
حکایت خاک بیختن مجنون در جستجوی یافتن لیلی.....	۳۹۵
حکایت ناصبوری ابوسعید و توصیه پیری به او.....	۳۹۵
حکایت سامان محمود و خاک بیز.....	۳۹۷
۳- ثمرات حالت طلب.....	۳۹۹
نقطه اوج طلب.....	۴۱۵
۲- وادی عشق.....	۴۱۸
حکایت مجنون و پوستین گوسفند.....	۴۱۹
کلیاتی در تبیین بیشتر وادی عشق.....	۴۲۲
۱- معنای لغوی عشق.....	۴۲۲
۲- معنای اصطلاحی عشق.....	۴۲۳
۳- آغاز پیدایش کلمه عشق در متون و مضامین عرفانی.....	۴۲۴
۴- کاربرد کلمه عشق در قاموس شرع.....	۴۲۴
۵- عشق حقیقی طرفینی است.....	۴۲۶
۶- عشق همان بار امانت الهی است.....	۴۲۷
۷- هماهنگی عشق و عقل.....	۴۲۸
۸- عشق؛ آسان‌نمای مشکل یا مشکل‌نمای آسان؟.....	۴۲۸
۹- متعلق حقیقی عشق.....	۴۳۱

- ۴۳۱ ۱۰- عشق علت ایجاد هستی.....
- ۴۳۲ ۱۱- عشق در ذات همه ذرات هستی جاری است.....
- ۴۳۳ ۱۲- حیات حقیقی قائم به عشق است.....
- ۴۳۴ ۱۳- عشق عامل اخلاص و وارستگی.....
- ۴۳۶ ۱۴- عشق؛ دولت پاینده و سعادت جاودانی.....
- ۴۳۶ ۱۵- عشق عامل وسعت روح.....
- ۴۳۶ دیگر برکات عشق.....
- ۴۳۶ ۱۶- سفر شوق پرستدترین سفرها.....
- ۴۳۶ ۱۷- کار و باری بر رنق تو روزگاری خوشتر از ایام عشق وجود ندارد.....
- ۴۳۷ ۱۸- ذره‌ای از غم عشق بر همه خوشی‌های عالم برتری دارد.....
- ۴۳۷ ۱۹- عشق؛ عامل جلب رحمت و ارزش الهی.....
- ۴۳۷ ۲۰- عشق؛ عامل رسیدن به معرفت حقیقی و آگاهی از واز هستی.....
- ۴۳۷ ۲۱- عشق؛ عامل قبولی دیگر اعمال و عبادات.....
- ۴۳۷ ۲۲- عشق؛ حلال مشکلات و کلید درهای بسته.....
- ۴۳۹ ۳- وادی معرفت.....
- ۴۴۱ حکایت آمدن معشوقی بر بالین عاشق خفته خویش.....
- ۴۴۲ حکایت پاسبانی که بر او پاسبانی گماشته بودند.....
- ۴۴۴ سخنانی از عرفا در تبیین وادی معرفت.....
- ۴۴۷ ۴- وادی استغنا.....
- ۴۴۷ توالی منطقی وادی استغنا با وادی قبل (معرفت).....
- ۴۴۹ حکایت مگس گرفتار آمده در کندوی عسل.....

۴۵۰	 حکایت شیخ خرقة پوش و دختر سگبان
۴۵۲	 ارتباط وادی استغنا با غنای نفس سالک
۴۵۴	 گله مندی عطار از فقدان مخاطبین جویای اسرار
۴۵۶	 ۵- وادی توحید
۴۵۶	 ترتب منطقی وادی استغنا و وادی توحید
۴۵۷	 حکایت تفهیم بیرزنی توحید را به یک عارف
۴۵۹	 حکایت اتمان سرخسی که از خداوند آزادی از بندگی میخواست
۴۶۰	 حکایت اباز که بر برابر تمجیدهای سلطان محمود از او، ساکت بود
۴۶۳	 تعاریفی در بیان وادی توحید
۴۶۶	 وادی توحید؛ شهود وحدت شخصی وجود
۴۶۷	 توجیه کثرات در عالم
۴۶۷	 تشکیک در مظاهر وجود
۴۶۹	 منظور از مرآت بودن کثرات
۴۶۹	 مراتب وجود وحدت شخصی وجود
۴۷۲	 ۶- وادی حیرت
۴۷۳	 حکایت گریانی که نمیدانست از دوری که میگیرد
۴۷۴	 حکایت کسی که هم کلید را گم کرده بود و هم در را
۴۷۶	 ۷- وادی فقر و فنا
۴۷۶	 ترتب منطقی فقر و فنا بر وادی حیرت
۴۷۸	 حکایت پروانگان مدعی معرفت به شمع
۴۸۲	 فصل دهم: هفت وادی سلوک به روایتی دیگر
۴۸۴	 ۱- وادی توبه

- ۴۸۴..... معنای لغوی و اصطلاحی توبه
- ۴۸۴..... طرح یک سؤال
- ۴۸۵..... اجزاء توبه
- ۴۸۵..... ۱- توبه عنایت
- ۴۸۷..... سبب توبه بشر حافی:
- ۴۸۹..... ۲- توبه انابت
- ۴۹۰..... ارکان توبه انا
- ۴۹۱..... توبه اهل - و ف ر توبه اهل حیا
- ۴۹۱..... ۳- توبه اجابت و قبول
- ۴۹۲..... توبه مدام در عرفان
- ۴۹۳..... مراحل و ابعاد توبه
- ۴۹۴..... سخن امام صادق علیه السلام درباره انواع توبه
- ۴۹۸..... ۲- مقام ورع
- ۴۹۹..... طریق تحقق ورع
- ۵۰۱..... ارکان ورع
- ۵۰۲..... ورع سالکان
- ۵۰۴..... ۳- وادی زهد
- ۵۰۴..... تعریف لغوی زهد
- ۵۰۵..... معنای اصطلاحی زهد
- ۵۰۶..... مراتب زهد
- ۵۰۷..... ابعاد و مراحل زهد

۵۰۸	ثمرات زهد:
۵۱۲	دیگر ثمرات زهد
۵۱۳	۴- وادی فقر
۵۱۵	تعاریفی در تبیین مقام فقر
۵۱۶	۵- فقر عرفانی را غنایی در پی نیست
۵۱۷	۵- وادی صبر
۵۱۸	ابعاد صبر
۵۱۹	مراتب صبر
۵۲۰	ابعاد صبر اهل معرفت را اولیای الهی
۵۲۲	۶- وادی توکل
۵۲۲	تعریف توکل:
۵۲۲	مقام و منزلت توکل در آیات و روایات
۵۲۳	درجات توکل
۵۲۹	۷- مقام رضا
۵۲۹	مراتب مقام رضا
۵۳۴	نشانه ها، ثمرات و برکات مقام رضا:
۵۳۵	۱- مقام تسلیم:
۵۳۹	دفع اشکالات بر مقام رضا:
۵۴۴	فرجام فرد راضی به رضای دوست
۵۴۷	فصل یازدهم: بر آستان سیمرغ
۵۴۹	چند گام تا آستان سیمرغ

۵۵۰	مشاهده مرغان استغنای برون از اندازه آستان سیمرغ را.....
۵۵۱	امتحان مرغان از طریق تحقیر آنها.....
۵۵۴	امتحان مرغان از رهگذر تهدید و ارباب.....
۵۵۶	آغاز نوازش مرغان توسط مأموران سیمرغ.....
۵۵۹	تبیین چگونگی وصال سالک در مصیبت‌نامه.....
۵۶۲	نظریات مختلف در چگونگی وصال سالک.....
۵۶۳	نظریه استغناء.....
۵۶۵	بقای بعد از ناله.....
۵۶۶	واپسین مبحث کتاب.....
۵۷۴	بوسعیدا؛ دستگیری کار امثال تو نیست.....
۵۶۹	فهرست های راهنما.....
۵۷۱	فهرست آیات.....
۵۷۵	فهرست روایات.....
۵۷۷	فهرست اعلام.....
۵۸۳	فهرست منابع و مآخذ.....

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر
یادگاری که بر این گنبد دوار بماند
«حافظ»

از آن جا که آفریدگار هستی شهودی آفریده های خود را بر محبت به
معبود سرشته است، دل نوازترین و ارام بخش ترین زمزمه ها سرود عشق است. بر
این اساس ماهیت تمامی پیام های سفیران آسمانی راه و رسم بندگی عاشقانه و
برآشتن فطرت توحیدی و خدا آشنای انسان برده است. سخن عشق همواره
نامکرر و مبرا از ملال و برای همه کس دلنشین است. همان که تمامی زوایای
عالم وجود از وجود و هستی پر شده از عشق نیز که مسافر وجود است پر
گشته است:

«... ای درویش مراتب این وجه مملو از عشق اند، هر مرتبه ای که می آید آن
مرتبه مرآت مرتبه ماقبل است و مرتبه ماقبل بر خود عاشق است و بر مرآت هم
عاشق است، پس این وجود مملو از عشق است».^۱

^۱ - الانسان الكامل، عزیزالدین نسفی، ص ۲۰۸.

«... ای درویش هر که عاشق نشد، و هر که پاک نشد به پاکی نرسید»^۱ بر لب‌های هر عندلیبی که هزارستان گلستان عشق شده و نغمه‌های توحیدی سر داده باید بوسه زد؛ هم‌چنان که لب‌های هر آلت دست شیطانی که مردمان را با سخن و شعر و قلم خویش به بندگی زر و سیم و مقام و منصب و خشم و شهوت و یاوه‌گی و روزمرگی و پوچی و تن‌آسایی و نخوت و خودپرستی و تفرقه و دشمنی فرا می‌خواند باید بر هم دوخت. عطار در فرهنگ اسلامی یکی از این عنایبان باغ عشق است هم‌چنان که خود می‌گوید:

مرحبان عندلیب باغ عشق ناله کن خوش خوش ز درد و داغ عشق
خوش بنال از درد دل داود وار تا کنند هر نفس صد جان نثار^۲
عطار از رهگذر «مالی معنی» جاوید الهی قرآن کریم و سخنان معصومین و آگاهی از سرگذشت اولیا با پیوسته دل بیدار و قریحه ذاتی و حسن خداداد خویش، توفیق پیدا کرد که عمری سادگی عشق باشد.

خداوندا تو می‌دانی که عطار همه توحید تو گوید در اشعار^۳

در روزگار ما که سیطره کمیت می‌رود نه همه را زیر آوار خودپرستی و ماده‌پرستی و ابتذال مدفون نماید؛ مصاحبت و همدلی با آثار زنده دلانی چون عطار ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در باب این که سخن و سروده‌های عطار به عنوان شاعری که اندیشه‌های او وصل به آبشخور عرفان از نوع اصیل است تا چه اندازه می‌تواند مفید و قابل اعتماد باشد؛ نگارنده در فصل اول این کتاب در باب معرفی اجمالی عطار و منطق‌الطیر؛ نظر و موضع خویش را به اختصار بیان

^۱ - الانسان الكامل، عزیزالدین نسفی، ص ۱۶۳.

^۲ - منطق‌الطیر، ابیات ۶۴۶-۶۴۷.

^۳ - اسرارنامه عطار.

داشته و راهکار و شیوه خویش را در پیمودن راه صواب در نگارش این کتاب گفته‌ام. در این جا همین اندازه می‌گویم که با رعایت بعضی از ملاحظات؛ به طور کلی کتاب منطق الطیر او متضمن نکات بسیار ارزنده و مفید و در اغلب موارد هماهنگ با آموزه‌های قرآنی و عرفان شیعه است.^۱ و بنا به توصیه بزرگانی چون امام خمینی نباید مردم را از این معارف محروم کرد.^۲

تذکره د. باره عنوان کتاب

سبب راه تو ز اول واصل است

لازم به ذکر است که منظور نگارنده از عنوان «بر آستان سیمرغ» تأکید بر صحنه‌های پایانی کتاب، منطق الطیر مبنی بر رسیدن مرغان به سرایده سیمرغ نبوده است. بنابراین پیش‌نهاد من شده مطالعه‌کننده گرامی، با هدف این که هر چه زودتر به مبحث اصلی کتاب، که آن را به خاطر عنوان کتاب صحنه‌های پایانی داستان تصور می‌کند از بقیه ابواب کتاب باشتاب نگذرد.

تشرّف مرغان به آستان سیمرغ از اولین قدس که در راه او برمی‌دارند آغاز می‌گردد و عطار از ابیات آغازین کتاب که در شأن و ستایش خدای تعالی است رهنمودهای سلوکی خویش را یکی پس از دیگری مطرح می‌نماید. بلکه بدون تردید می‌توان گفت لطایف و اشارات عرفانی او در اثنای این امر، خیلی بیش از مباحث پایانی است، در سیر و سلوک عرفانی راه و مقصد مشترک از همدیگر و دو واقعیت مستقل و متمایز از هم نیستند، برخلاف راه و مقصدهای فیزیکی و دنیوی و مادی که جدا از هم بوده و باید راه پیموده شود تا مقصد پدیدار گردد.

^۱ - برای مطالعه کتابی صرفاً بر مبنای معیار و ملاک‌های عرفان شیعی می‌توانید به سه اثر دیگر نگارنده «ولایت الهیه امیرالمؤمنین»، «عرفان ابراهیم خلیل» و «عرفان صدرالمؤمنین» مراجعه فرمایید.

^۲ - تفسیر سوره حمد، امام خمینی، نقل به اختصار.

در عرفان که سیر و سفری وجودی از نقص به کمال و از لایه‌های رویین وجود خویش به لایه‌های زیرین است؛ راه پرتوی از مقصد است، هر مقطع از راه؛ شان و مرتبه‌ای از شئون و مراتب مقصد می‌باشد. سالک راستین همواره بهره‌مند از لذات وصال است رهرو از مرتبه‌ای از وجود در بستر وجود حرکت می‌کند به سوی مراتب بالاتری از وجود به عبارت ساده‌تر از آن‌جا که تقرّب به خدای تعالی قربی مکانی و فیزیکی نیست بلکه حرکتی وجودی به سوی سنجیت با خداوند از گذر متخلّق شدن به اخلاق الهی است بنابراین سالک به همان میزان که صفات کمالیه خداوند را به درجاتی در خود تحقق می‌بخشد به مراتبی از وصال پروردگار نایل می‌شود. و این مراتب وصال هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد چرا که هر یک از صفات که به خداوند که عین ذات بی‌نهایت او است بی‌نهایت و به بی‌نهایت نمی‌توان رسید. بنابراین سالک همواره از مرتبه‌ای از حُسن و جمال، به حُسن روزافزون، به حُسن هم‌واره ارتقا می‌یابد در حرکت است.

نقش جمال یار را تا که به دل کشیده‌ام	یک سره مهر این و آن از دل خود بریده‌ام
هر نظرم که بگذرد جلوه رویش از نظر	بارگردد کوشش بینم از آن چه دیده‌ام
عشق مجال کی دهد تا که بگویم چسان	تیر بالای عشق را در دل و جان خریده‌ام ^۱

راه و مقصد در سیر و سلوک معنوی در تعامل مداوم با یکدیگر است. با هر گامی که سالک در جهت تهذیب نفس و برگرفتن غبار از دیدگان جان خود برمی‌دارد جلوه‌ای زیباتر از معشوق ازلی را در آینه دل خویش مشاهده نموده و لذا هر لحظه بیشتر از قبل با مراتبی از جمال محض و زیبایی مطلق سنجیت و انضمام و اتحاد می‌یابد و با برخورداری شدن از این باده‌های وصال؛ در سیر و

^۱ - علامه آیت الله سید محمد حسن میرجهانی طباطبائی، دیوان حیران.

حرکت در جهت تهذیب بیشتر شوقی بیشتر می‌یابد. به عبارت دیگر با این پالایش‌های مداوم خود، هر لحظه چشم یوسف‌بینی او گشودگی بیشتر یافته لذا یوسف برای یعقوب همواره در حال زیباتر نمایان شدن است. راه برای سالک عین آستان وصال معشوق می‌شود؛ آستانه‌ای به درازای این راه بی‌نهایت.

با تأمل در مبحث فوق می‌توان پاسخی برای این معمای دیرین یافت که آیا زیبایی آفریننده عشق است یا عشق زیبایی می‌آفریند؟ آیا دیدگان یعقوب است که یوسف را آن همه زیبا می‌بیند؟ یا زیبایی یوسف است که یعقوب را آن‌چنان شیفته خود ساخته است؟ ظاهر موضوع فوق جدگی الطرفین می‌نماید و نمی‌توان در مورد آن به نتیجه رسید. از یک سو می‌بینیم که یوسف برای فردی چون یعقوب به عنوان سالکی عاشق آن چنان جلوه و جمال دارد اما برای برادران او، این گونه نیست بلکه دیدن یوسف بر نفرت و حسد آنان می‌افزاید. از سوی دیگر، اگر زیبایی در نگاه یعقوب است چرا یعقوب دیگران را آن همه زیبا نمی‌بیند؟ اگر معتقد باشیم عشق زاینده زیبایی است به دامن ایدالیسم و دور شدن از واقعیت در غلتیده‌ایم و اگر زیبایی را علت ایجاد شده عشق بشماریم به نوعی دیگر منکر واقعیت‌ها شده‌ایم. این معما از رهگذر مبحث فیر که گفته شد راه و مقصد در تعامل با همدیگر هستند پاسخی مناسب خود می‌یابند. جمال یوسف و دیدگان یوسف بین یعقوب در اتحاد و تعامل اند زیبایی یوسف به عنوان جلوه‌ای از زیبایی مطلق که خدای تعالی است یک واقعیت و لذا زاینده عشق و شیفگی است. اما این زیبایی برای همه قابل رؤیت نیست تا پیدایش عشق را موجب شود. سالکی می‌طلبد که غبار ره از دیده دل خویش با جاروب سیر و سلوک و تهذیب نفس بیفشاند.

عطار در ابیاتی به نقش این دو عامل اشاره نموده است:

تو را گر یوسفی محبوب باید نخست دیده یعقوب باید
که تا آینه‌ات زیبا نماید جمال بی‌نشان پیدا نماید^۱

از تأمل در حقیقت فوق نکات ارزنده دیگری نیز به دست می‌آید از جمله این که متعلق عشق حقیقی فقط خدای تعالی است به این جهت که عشق عبارت است از حالت اشتیاق و طلب و تمنا برای رسیدن به یک مطلوب و از آن‌جا که به مطلوب معشوق متناهی و محدود می‌توان رسید با رسیدن به وصال او؛ حالت تمنا و طلب زایل می‌شود اما در مورد خداوند که بی‌نهایت است و هیچگاه وصال کامل رخ نمی‌دهد بنابراین شعله عشق و طلب و تمنا همواره در جان سالک برافروخته است.
در مورد بی‌پایانی راه کمال و متخذ از حقیقت فوق است؛ عزیزالدین نسفی عبارات شایسته‌ای دارد:

«... و اهل وحدت می‌گویند که ترقی روح انسانی را حدی پیدا نیست از جهت آن که اگر آدمی مستعد را هزار سال عمر باشد و درین هزار سال به تحصیل و تکرار و مجاهدت و اذکار مشغول باشد هر روز چیزی داند و چیزی یابد که پیش از آن روز ندانسته باشد و نیافته بود از حکمت از جهت آن که علم و حکمت خدای نهایت ندارد... به نزدیک اهل وحدت کمال ادبی وجود ندارد. از جهت آن که آدمی به هر کمالی که برسد نسبت به استعداد وی و نسبت به علم و حکمت خدای، هنوز ناقص باشد».^۲

اقبال لاهوری نیز با بیانی دیگر همین حقیقت را مورد تأکید قرار داده است:
اگر چشمی گشایی بر دل خویش درون سینه بینی منزل خویش

^۱ - الهی‌نامه، مقاله بیست و دوم، ص ۳۰۸.

^۲ - آتاسان الکامل، عزیزالدین نسفی، صفحات ۹۴-۹۵.